

زمان کشف مجدد هانا آرنت برای اسرائیلی ها



نویسنده : ورا وایندباخ*

ترجمه : حماد شببانی

- خواندن و شناختن هانا آرنت فیلسوف آلمانی- یهودی به تمرین گفتگوهای درونی و تقویت شک و تردید، برای قضاوت در زمانهای سخت کمک می کند. و هیچ زمانی دشوارتر از اکنون نیست.

- چگونه می توانیم درست قضاوت کنیم وقتی با جنایات در سطحی روبرو هستیم که حتی در تخیل و تصور آدمی نمی گنجد.

این سؤالی است که هانا آرنت در مقاله ای در سال ۱۹۶۴ خود، با عنوان «مسئولیت شخصی تحت تسلط دیکتاتوری» به آن می پردازد. او این مقاله را پس از شرکت در جلسه محاکمه آدولف آیشمن در اورشلیم و خواندن گزارش دادگاه، برای روزنامه نیویورکر نوشت.

در جلسات محاکمه آیشمن در سال ۱۹۶۱، بازماندگان اردوگاه های مرگ نازی برای اولین بار آشکارا و علنی در مورد وحشتی که تجربه کرده بودند صحبت کردند. این روایتها جامعه اسرائیل را تغییر داد و گذشته ای را به یاد آورد که برخی ترجیح می دادند آنرا فراموش کنند و برای ساختن آینده ای بهتر بکوشند. تا آن زمان، بسیاری از مادران و پدران هرگز در مورد آسیبهای روحی خود حرف نمی زدند اما ناآگاهانه آنها را به فرزندان خود منتقل می کردند.

هانا آرنت چگونه به متهم شدن اسرائیل به جنایت علیه بشریت واکنش نشان می داد؟ چرا اصطلاح «ابتدال شر» که هانا آرنت در سال ۱۹۶۳ و در کتاب «آیسمن در اورشلیم» به کار برد هنوز اسرائیلی ها را خشمگین می کند؟

من اصولاً تمایلی به مقایسه هولوکاست با هیچ چیز دیگری ندارم. اما آنچه در 7 اکتبر اتفاق افتاد - نه در مقیاس بلکه در جاذبه - معیار آرنت را برآورده می کند. از تخیل انسان فراتر است و ما را گیج و درمانده می کند. اگر سال گذشته به گونه ای دیگر پیش می رفت، می توانستیم با این جمله متوقف شویم. اما از آن زمان، ده ها هزار نفر توسط نیروهای اسرائیلی در غزه کشته شدند و زنده ماندگان از شرایط غیرانسانی رنج می برند. من معتقدم که پاسخ اسرائیل، یعنی هدف رسمی نابودی حماس، در واقع تحقق برنامه های این گروه تروریستی است.

حماس با قتل عام ۷ اکتبر، قصد داشت باور به صلح را برای مردم غیرممکن کند. جنایات آنها دقیقاً همان کاری بود که آرنت در مورد آن نوشت: «از بین بردن توانایی قضاوت مردم». در حال حاضر، به نظر می رسد که آنها دارند برنده می شوند.

«دنیا دیوانه شده است». این جمله ای است که امسال اغلب در گفتگو با دوستان و همکاران خودم به کار برده ام. چرا که چیزهایی که هرگز تصورش نمی کردم اتفاق افتاد. و هنوز هم، هر روز اتفاق می افتد.

برای من، دو تحول کلیدی از زمان آغاز جنگ در 14 ماه پیش رخ داده است. یکی شکست کامل چپ مترقی در اروپا و ایالات متحده است. یک مکتب فکری که زمانی آن را



کامل می پنداشتم و تحسین می کردم، در مورد زندگی یهودیان با استانداردهای دوگانه برخورد کرد.

من پس از وقوع قتل‌های نژادپرستانه توسط پلیس آمریکا، در همبستگی با «جان سیاهپوستان مهم است» شعار دادم و درست پس از این که مردم به نام خدای دیگری به طرز وحشیانه ای توسط تروریستها به قتل رسیدند، فریاد می زدم «جان یهودیان مهم است»؛ بعد از این که آنها را در نوار غزه دیدم که برای "اولین یهودی" که به قتل رساندند جشن گرفتند، آنهم در حالی که سعی می کردند کله جسد این آدم را با بیل جدا کنند.

آرنت می گوید «مردمی که دیگر نتوانند چیزی را باور کنند، نمی توانند تصمیم بگیرند. آنها نه تنها از ظرفیت عمل بلکه از ظرفیت تفکر و قضاوت نیز محروم می شوند. و با چنین مردمی می توانید هر کاری که می خواهید بکنید.»

آنچه من "چپ پست مدرن" می نامم، یک مکتب فکری است که عمدتاً بر پایه آثار اندیشمندانی چون «میشل فوکو»، «آنجلا دیویس» و اخیراً «کیمبرلی کرنشاو» بنا شده است؛ کسی که اصطلاح «درهم تنیدگی» را وارد گفتمان نظریه نژاد و جنسیت پسااستعماری کرد. این مکتب تلاش دارد نشان دهد چگونه گروه‌های خاصی از افراد به دلیل عضویت در یک گروه اجتماعی خاص، از بی‌عدالتی‌های ساختاری و ستم رنج می‌برند. در حالی که این نظریه‌پردازان دستاوردهای زیادی در توصیف شیوه‌های نژادپرستانه و مردسالارانه ستم داشته‌اند، اما باورپذیری این روایت در تاریخ ۷ اکتبر نزد آنان به پایان رسید، و از آن زمان بود که چپ پیشرو عمدتاً از پذیرش انگیزه‌های یهودستیزانه حماس سر باز زد.

بیشترین همدردی که آنها در طول سال گذشته حاضر بودند نسبت به مردم یهودی نشان دهند، تغییر دادن روایت خود و اعلام این بود که رنج، در هر صورتی، به یک میزان بد است. اگر چنین واکنشی در قبال حمله‌ای نژادپرستانه علیه سیاهپوستان اتخاذ می‌شد، همین گروه‌ها، کاملاً به درستی، انگیزه‌های نژادپرستانه پشت آن را برجسته کرده و توفانی از اعتراضات به راه می‌انداختند. اما در پی ۷ اکتبر، چپ پست مدرن بار دیگر جهان شمول بودن را - این بار برای سرزنش قربانیان - پذیرفت. تغییری در تفکری که زائیده ریاکاری است.

در حالی که این نظریه پردازان دستاوردهای زیادی در توصیف ابزارهای نژادی و مردسالارانه سرکوب دارند، معقول بودن این روایت با 7 اکتبر به پایان رسید، آنگاه که چپ مترقی، تا حد زیادی، از تأکید بر انگیزه های یهودستیزانه حماس خودداری کرد.

تحول دوم ناشی از سیاستهای نخست وزیر اسرائیل است که از یک پوپولیست به دیکتاتوری جاهطلب تبدیل شده و جنگی



را ادامه می‌دهد که به هیچیک از اهداف اعلام شده‌اش دست نیافته است، اما همچنان تعداد زیادی انسان فلسطینی را می‌کشد. این تحول آنچنان است که حالا وقتی کسی آن را نسل‌کشی می‌نامد، زبانش لال می‌شود و دیگر بحث

نمی‌کنم. او حماس را نابود نکرد. برعکس، در حال تحقق هدف حماس برای نابود کردن هرگونه امکان صلح است.

«هیچکس دیگر به چیزی باور ندارد».

در این شرایط، ذهن من در حال بازی پینگ پنگ اخلاقی است. مدام در نوسان بین چسباندن برچسبهای «حمایت از اسرائیل» به تیرهای چراغ برق و گریستن بر ویدئوها و عکسهای کودکانی که از زیر آوارهای غزه بیرون کشیده می‌شوند، حمل یک بادکنک نارنجی در جشن تولد پنج‌سالگی گروگان آریل بیباس، و حال تهوع هنگام نوشتن مقاله‌ای درباره خشونت‌های جنسی که حماس در ۷ اکتبر مرتکب شد."

«سخت است که بفهمیم چه چیزی درست است و چه چیزی غلط». و این هم جمله دیگری است که این دوره زیاد از دوستانم می‌شنوم، بویژه از وقتی که به تل‌آویو نقل مکان کرده‌ام. برخی می‌گویند: «من باید کاملاً بازنگری کنم در این که به چه چیزی اعتقاد دارم».

و حالا، در این نقطه هستیم، ۶۰ سال پس از مقاله آرنست، اما به نوعی در وضعیتی نه چندان متفاوت از نظر فکری. و از خود می‌پرسم: آیا تفاوت مفهوم درست و غلط کاملاً از بین رفته است؟ اینطور به نظر می‌رسد.



شیشه های شکسته یک مغازه بوهوی در آلمان پس از شب شیشه های شکسته در نوامبر ۱۹۳۸. اجنار: بولگنی Bettmann/CORBIS/Bettmann

زیرا این همان چیزی است که تروریسم قصد دارد انجام دهد، و قصد

پوپولیسیم هم همین است: خاموش کردن صداهاى منطق، همدلى و كرامت. يكى با استفاده از خشونت آشكار و ديگرى از طريق دروغ و فريب. آرنه در مصاحبه اى در سال 1974 توضيح داد كه چگونه دروغ گفتن به عنوان يك استراتژى سياسى تأثير عميقى بر مردم دارد: «اگر همه هميشه به شما دروغ بگويند، نتيجه اين نيست كه شما دروغها را باور مى كنيد، بلكه اينست كه ديگر هيچ چيزى را باور نمى كنيد. ... و مردمى كه ديگر نمى توانند چيزى را باور كنند، نمى توانند تصميم شايسته اى بگيرند. چنين مردمى نه تنها از قدرت اقدام و ابتكار عمل بلكه از ظرفيت تفكر و قضاوت نيز محروم مى شوند. با چنين مردمى مى توانيد هر كارى كه مى خواهيد انجام دهيد».

آرنه در مورد جنگ جهانى دوم صحبت مى كند و اين كه چگونه ممكن است مردمى بطور كامل از يك رژيم ظالم و جنايتكار پيروي كنند. آرى وقوع هولوكاست امكان پذير نبود اگر اكثريت جمعيت آلمان، بطور گسترده و بدون زير سوال بردن سياستهاى حكومت نازى آن را نمى پذيرفتند، بدون مخالفت با سياستهاى غيرانسانى آن و ناپديد شدن و كشتار جمعى همكلاسيها، همسايگان و دوستانشان.

بخش مهمى از آثار آرنه به تجزيه و تحليل نحوه عملكرد رژيمهاى توتاليتير و تأثير اين نوع قدرت بر مردم اختصاص دارد. اما همچنين در مورد قدرت و مسئوليتى حرف مى زند كه هر فرد انسانى بسهم خود برعهده دارد، حتى اگر در شرايط غيرممكن قرار گيرد.

من مقاله او در مورد مسئوليت شخصى را بارها خوانده ام. اين به من كمك زيادى كرده و مرا تشويق كرده است كه به جاى انتخاب يك طرف به قلب و مغز خودم اعتماد كنم. و اين به مفهوم فلسفه آرنه مربوط مى شود كه چگونه همه و هر كس همواره مى توانند با مسئوليت، قضاوت كنند - و در واقع بايد قضاوت كنند - حتى اگر اسلحه را روى سرش بگذارند.

آرنه در مقاله اى به سال 1964 توضيح داد كه كسانى كه به راحتى تحت تأثير حكومت نازى قرار مى گرفتند، جنايتكاران يا كسانى نبودند كه به قانون احترام نمى گذاشتند. از نظر او، اين آدمها فقط از قوانين و هنجارهاى جامعه اى خود پيروي مى كردند، حتى زمانى كه آن قوانين زير و رو مى شدند.

« حس تعلق يا چسبیدن به چيزى »

در آلمان نازى، هر چيز كه تا آن زمان درست يا نادرست ارزيابى مى شد، كاملاً تغيير كرد: كمك به مردم نيازمند غيرقانونى شد. افرادى كه

به یهودیان کمک می‌کردند و آنها را مخفی می‌کردند، دستگیر و مجازات می‌شدند. و چیزی که تا آن زمان نادرست تلقی می‌شد، مانند تحقیر، آزار و در نهایت کشتن مردم، قابل قبول و حتی مطلوب شد.

آرنت نتیجه‌گیری کرد: «در این زمینه، فروپاشی اخلاقی جامعه محترم دوران رژیم هیتلر ممکن است به ما بیاموزد که در چنین شرایطی کسانی که به ارزشها پایبندند و به اصول و معیارهای اخلاقی وفادارند، قابل اعتماد نیستند: حالا می‌دانیم که اصول و معیارهای اخلاقی می‌توانند یک شبه تغییر کنند و تنها چیزی که باقی خواهد ماند، عادت به پایبند بودن به چیزی است.»



Palestinian children running to shelter from the rain at a ca

کودکان فلسطینی روز جمعه در اردوگاه آوارگان داخلی در نزدیکی پناهندگان نصیرات در مرکز غزه برای پناه گرفتن از باران می‌دوهند. اعتبار: ایاد بای/خبرگزاری فرانسه

کسانی که به رژیم وفادار بودند یا از آن بهره‌مند می‌شدند، یا به سادگی قوانین جدید را پذیرفته و به آنها عمل می‌کردند، گویی همیشه همین‌طور بوده است. آنها از آنجا که فکر نکردند، همدست شدند. در چنین موقعیت‌هایی، زمانی که جهان دیوانه می‌شود و از شما خواسته می‌شود آنچه را که قبلاً غیرقابل قبول به نظر می‌رسید، بپذیرید، کسانی که به روال معمول ادامه می‌دهند، همان کسانی خواهند بود که همدست می‌شوند.

او اضافه می‌کند که «آنچه بسیار قابل اعتماد است»، کسانی هستند که شک می‌کنند و تردید نشان می‌دهند، نه به این دلیل که شکاک بودن خوب است یا تردید کردن مفید است، بلکه به این دلیل که آنها عادت دارند مسائل را بررسی کنند و خودشان تصمیم بگیرند.

آرنت بر این باور بود که شکاکیت چیزی است که باید در خود تمرین کرد: «این نوع قضاوت، نیاز به هوش یا ظرافت زیاد در مسائل اخلاقی ندارد، بلکه تمایل به صریح بودن با خود مورد نیاز است، به این معنی که

من در آن گفتگوی خاموش بین من و خودم مشغول باشم که از زمان سقراط و افلاطون به آن می‌گوئیم تفکر».

« نابودی یهودیان با یک سلسله تدابیر تدریجی ضدیهودی آغاز شد، که هر یک از آن‌ها با این استدلال عادی سازی شد که عدم همکاری یا واکنش احساسی و مقاومت اوضاع را بدتر می‌کند - تا جایی که اوضاع به مرحله‌ای رسید که دیگر چیزی بدتر نمی‌توانست اتفاق بیفتد.» هانا آرنت

آرنت می‌گوید: سؤال مهم اینست: اگر من این کار را می‌کنم یا این کار را نمی‌کنم، آیا می‌توانم در درون خود، به خودم نگاه کنم و با این شخص زندگی کنم؟ ممکن است این حرف مهم به نظر نرسد یا غیرمنتظره نباشد، اما اگر آن را جدی بگیرید و این گفتگوی درونی را تمرین کنید، بسیاری از بهانه‌هایی که ممکنست برای پذیرش چیزهایی که در عمق وجودتان می‌دانید غلط است، را پیدا کنید، و این بسیار سخت خواهد بود. افرادی که می‌گویند این روزها تشخیص درست و غلط سخت است، در واقع از خود می‌پرسند آیا اشکالی ندارد که به کسانی که به شما آسیب زده‌اند، آسیب بزنید.

از نظر اخلاقی، پاسخ ساده است: خیر. آنچه تشخیص درست از غلط را سخت می‌کند اینست که اغلب احساس نمی‌کنیم که واقعاً در حال انتخاب هستیم. از نظر سیاسی، چیزی که معمولاً از مردم خواسته می‌شود اینست که هیچ کاری نکنند. خواسته می‌شود که آنچه در حال وقوع است را بپذیرند. تنها در بازنگری است که پذیرش تبدیل به انتخاب خواهد شد و تنها پیروی از دستورات است که به حمایت تبدیل خواهد شد.

او دربارهٔ هولوکاست نوشت: قتل عام یهودیان با یک تسلسل تدریجی از اقدامات ضد یهودی آغاز شد، آن اقدامات با این استدلال پذیرفته شد که عدم همکاری اوضاع را بدتر خواهد کرد - تا جایی که به مرحله‌ای رسیدیم که دیگر هیچ بدتر از آن نمی‌توانست پیش آید.

آرنت توضیح می‌دهد که یکی از مهمترین تکنیک‌ها برای حفظ قدرت یک رژیم، وادار کردن مردم به پذیرش استدلال «شر کمتر» است. این باعث می‌شود که فروپاشی استانداردهای اخلاقی تدریجی باشد و برای گفتگوی درونی سخت‌تر قابل شناسایی باشد.

امروز از مردم اسرائیل خواسته می‌شود که به تدریج نابودی غزه را بپذیرند و بارها به آنها اطمینان داده می‌شود که این نابودی جایگزین آن شر

بزرگتر خواهد بود. و این که نپذیرفتن یک حمله هوایی کشنده دیگر اوضاع را بدتر خواهد کرد.

آرنت نوشت: پذیرش شرهای کوچکتر، عمداً، برای آموزش مقامات دولتی و نیز وادار کردن همگان به پذیرش شر، بطور کلی، ترویج می‌شود.



فلسطینی‌ها در حال بازرسی از خسارات پس از حمله هوایی در دور البلق، مرکز غزه، در روز پنجشنبه. انتشار: رسانان عابدی/ویترز

امروزه مردم اسرائیل تا حد زیادی شرارت‌های این جنگ را پذیرفته‌اند. حتی بیشتر از آن، آن‌ها در حال پذیرش زوال تدریجی ارزش‌هایی هستند که کشورشان بر آن بنا شده است. چگونه می‌توان اشتباه استدلال "شر کمتر" را بابر مبنای این دیدگاه ثابت کرد که حتی اگر شر کمتری را انتخاب کنید، همچنان شما در حال انتخاب شر هستید؟

در حال حاضر، حماس در این جنگ پیروز است، (زیر با آنچه اتفاق افتاد دیگرسازشی وجود نخواهد داشت/ مترجم) حتی اگر حماس از نظر نظامی شکست بخورد. باز هم در حال پیروزی است، زیرا پرسش نهایی این است که آیا اسرائیل می‌تواند پس از پایان جنگ با خود کنار بیاید یا خیر.

مهم اینست که سوال نهایی این باشد که: آیا اسرائیل پس از پایان جنگ می‌تواند با خود کنار بیاید یا نه.

27 دسامبر 2024

* ورا ویدنباخ یک خبرنگار آزاد آلمانی است که در تل‌آویو زندگی و کار می‌کند.
- برگرفته از:

[اکنون زمان آن فرا رسیده است که اسرائیلی‌ها هانا آرنت را دوباره کشف کنند - مجله هآرتس](https://www.haaretz.com)

[- Haaretz.com](https://www.haaretz.com)

همچنین بخوانید:

هانا آرنت چگونه به اتهام اسرائیل به جنایت علیه بشریت واکنش نشان می دهد - نظر -

[Haaretz.com](https://www.haaretz.com)

- <https://www.haaretz.com/opinion/2024-05-29/ty-article-opinion/.premium/how-hannah-arendt-would-respond-to-israel-being-accused-of-crimes-against-humanity/0000018f-c3e2-d822-a58f-d7fe35a90000>

- <https://www.haaretz.com/israel-news/2019-05-11/ty-article-magazine/.premium/why-does-hannah-arendts-banality-of-evil-still-anger-israelis/0000017f-db1a-df9c-a17f-ff1a90bc0000>